

اخلاق

در کلام امیر اخلاق

حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام

احمد زمانیان

سرشناسه: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

Ali ibn abi-Talib, Imam I, ۶۶۱-۶۰۱

عنوان قرارداد: نهج البلاغه . فارسی - عربی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: اخلاق در کلام امیر اخلاق حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام / احمد زمانیان.

مشخصات نشر: تهران : انتشارات اسوه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۴۳۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۵۸۴-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره اخلاق

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۶۱-۶۰۱ -- Views on ethics

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: Islamic ethics

شناسه افزوده: زمانیان، احمد، ۱۳۱۸ -

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸/BP۳۸ الف۳/۰۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۰۶۳۹۹



شرکت چاپ و انتشارات اسوه

اخلاق در کلام امیر اخلاق

(حضرت علی بن ابی طالب)

مؤلف : احمد زمانیان

ناشر : انتشارات اسوه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی : چاپخانه بزرگ تهران کریم (۱۴-۲۲۱۱۲۲۶۴-۳۶۶-۰۲۵)

نوبت چاپ : اول

سال نشر : ۱۳۹۸

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

بهاء : ۴۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۵۸۴-۳

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

فروشگاه و نمایشگاه دائمی تهران: خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، روبروی خیابان خارک، پلاک ۷۸۷

تلفن: ۶۶۴۱۸۰۹۹ و ۶۶۴۱۷۴۷۷ فاکس: ۶۶۴۱۸۰۲۲

فروشگاه شماره (۲) قم: خیابان ارم، مقابل پاساژ قدس تلفن: ۳۷۷۴۱۲۸۲ فاکس: ۳۷۷۳۷۶۶۰

فروشگاه شماره (۳) قم: بلوار معلم - مجتمع ناشران - پلاک ۳۰ تلفن: ۳۷۸۴۱۷۲۱-۲۳

www.Osvehpub.com www.Osveh.ir

فهرست تفصیلی مطالب

۲۱	پیش گفتار اول
۲۱	اخلاق زیستن در نهج البلاغه
۲۹	مقدمه
۲۹	هدف خلقت و آفرینش جهان رسیدن به کمال مطلق است
۳۲	اما انسان
۳۴	نحوه استفاده از این کتاب

نهج البلاغه امام علی علیه السلام

۴۰	خطبه ۷	۳۵	خطبه ها
۴۰	نفاق و دورنگی ضد اخلاق انسانی است	۳۷	خطبه ۱
۴۰		۳۸	خطبه ۲
۴۱	خطبه ۹	۳۸	اخلاق جاهلیت و خصوصیات آن
۴۱	شعار بی شعور ضد اخلاق است	۳۹	خطبه ۳
۴۱	خطبه ۱۱	۳۹	اخلاق انتخاب رهبری جامعه
۴۱	اخلاق یک جنگجو و مبارز	۴۰	خطبه ۶

خطبه ۱۶	۴۱	خطبه ۳۷	۵۰
اخلاق رهبر	۴۱	اخلاق سیاسی و نظامی	۵۰
خطبه ۱۷	۴۲	خطبه ۴۰	۵۱
اخلاق قضایی و مدیریت مذهبی	۴۲	خطبه ۴۱	۵۱
خطبه ۲۲	۴۳	برجسته‌ترین صفات انبیا، اخلاق و صداقت	
اخلاق جنگ‌طلب‌ها	۴۳	ویکرنگی است	۵۱
چه کسی تنور جنگ را روشن کرده	۴۳	ولی در حاکمان دغلباز قضیه برعکس	
خطبه ۲۴	۴۴	است	۵۱
اخلاق جنگجویان حُر طلب	۴۴	خطبه ۴۳	۵۱
خطبه ۲۵	۴۴	جنگ‌طلبی ضد اخلاق است	۵۱
اخلاق مقاومت در مقابل دشمن	۴۴	خطبه ۴۸	۵۲
خطبه ۲۶	۴۴	اخلاق استفاده از فرصت‌ها	۵۲
اخلاق جاهلیت و تأثیر آن در کشور و		خطبه ۵۰	۵۲
حکومت	۴۴	اخلاق خودخواهی‌ها و جاه‌طلبی‌ها، عامل	
خطبه ۲۷	۴۵	فتنه و جنگ است	۵۲
اخلاق مولادر دفاع و جنگ	۴۵	خطبه ۵۱	۵۳
خطبه ۲۹	۴۶	اخلاق مردانگی و ایستادگی با قدرت در	
اخلاق همبستگی و اتحاد در برابر دشمن که		مقابل دشمن	۵۳
باعث پیروزی است	۴۶	خطبه ۵۵	۵۴
خطبه ۳۱	۴۶	جنگ آخرین گزینه است و باید حتی الامکان	
خطبه ۳۲	۴۶	به صلح اندیشید	۵۴
خطبه ۳۴	۴۸	و روحیه ایجاد تنش ضد اخلاق است	۵۴
اخلاق کشورداری	۴۸	خطبه ۵۶	۵۵
اما حق مردم بر رهبر	۴۸	اخلاق حکومت الهی و مردمی از خودگذشتن	
خطبه ۳۶	۴۹	است و برای برپاداشتن حکومت باید	
اخلاق تندروها در حکومت	۴۹	قربانی داد	۵۵

خطبه ۵۸ ۵۶	خطبه ۹۸ ۶۶
اخلاق حکومت باطل ۵۶	اخلاق حاکمان باطل ۶۶
خطبه ۶۴ ۵۶	خطبه ۱۰۱ ۶۷
اخلاق چگونگی زندگی کردن یک انسان با ایمان ۵۶	حوادث ناگوار آینده ۶۷
شتاب در پرهیزکاری، نیکوکاری و آمادگی برای مرگ ۵۶	خطبه ۱۰۸ ۶۸
خطبه ۶۶ ۵۷	حکومت ناهلان ۶۹
اخلاق یک جنگجوی با ایمان که برای خدا جهاد می‌کند ۵۷	اخلاق زورگویان و فتنه‌گران ۷۱
آموزش‌های نظامی ۵۸	خطبه ۱۱۰ ۷۲
خطبه ۷۹ ۵۹	اخلاق عملی خدا پرستان ۷۲
اخلاق جادوگران و کاهنان و پیش‌گویان ۵۹	ارکان دین و حکمت‌های آن ۷۲
پرهیز از توجه به غیر خدا ۵۹	فضل و برتری قرآن ۷۲
خطبه ۸۱ ۶۰	خطبه ۱۱۱ ۷۳
اخلاق زاهد ۶۰	اخلاق زندگی در دنیا و بهره‌گیری از امکانات آن ۷۳
زاهد کیست؟ و تعریف زهد ۶۰	و به قضاوت نشستن در باره آینده این زندگی و نتایج عملکردها ۷۳
خطبه ۸۷ ۶۱	چهره دنیا ۷۳
اخلاق علمای دینی که چراغ فروزنده زمین هستند و اخلاق عالم‌نماها ۶۱	خطبه ۱۱۳ ۷۷
انسان کامل و عالم‌عامل ۶۲	اخلاق تقوا پیشخان و اخلاق خدا پرستان ۷۷
عالم‌نمایان ۶۳	پرهیز از دنیا ۷۷
عترت پیامبر ۶۴	خطبه ۱۲۲ ۷۹
امام، حجت خدا بر مردم ۶۴	اخلاق کج اندیشان خوارج نهروان و اخلاق تندروهای مذهبی جامعه ۷۹
خطبه ۹۲ ۶۵	خطبه ۱۲۴ ۷۹
اخلاق انتخاباتی و اخلاق کاندیدا ۶۵	اخلاق جنگجویان و رزمندگان و آموزش نظامی و مقاومت در میادین نبرد ۷۹

خطبه ۱۲۶..... ۷۹	خطبه ۱۵۰..... ۸۷
بیت المال متعلق به همه مردم است ۷۹	اخلاق دنیاپرستان و اخلاق حکومت
اخلاق و عدالت در تقسیم بیت المال ۷۹	مهدی علیه السلام ۸۷
خطبه ۱۲۷..... ۸۰	خطبه ۱۵۱..... ۸۸
اخلاق تندرورها و مقدس مآبها ۸۰	فتنه گر کیست و فتنه چیست؟ ۸۸
خطبه ۱۲۹..... ۸۱	سایه شوم حکومت فتنه و مشخصات
اخلاق حکومت عدل ۸۱	حکومت فتنه ۸۸
خطبه ۱۳۱..... ۸۲	اخلاق فتنه گران و شناسنامه آنها ۸۸
اخلاق مدیر لایق ۸۲	خطبه ۱۵۳..... ۸۹
خطبه ۱۳۴..... ۸۳	اخلاق گنهکار ۸۹
اخلاق حفظ وحدت و حفظ کشور و حکومت	خطبه ۱۵۴..... ۹۱
و کنار آمدن ۸۳	اخلاق پیشوای مردم چگونه باید باشد ۹۱
خطبه ۱۳۷..... ۸۴	خطبه ۱۶۰..... ۹۲
اخلاق انتخاباتی ۸۴	اخلاق و زندگی رهبری چگونه باشد ۹۲
خطبه ۱۴۰..... ۸۴	رسول اعظم اسلام و شیوه رهبری ۹۳
اخلاق رذيله غیبت؛ غیبت و تهمت ضد	اخلاق و صداقت و عاقبت اندیشی ۹۵
اخلاق یک مسلمان است ۸۴	خطبه ۱۶۲..... ۹۶
خطبه ۱۴۱..... ۸۵	اخلاق و عملکرد رئیس ملت ۹۶
اخلاق صالحان ۸۵	هشدار به عثمان ۹۶
خطبه ۱۴۲..... ۸۶	خطبه ۱۷۳..... ۹۹
اخلاق و شیوه نیکی و بخشش ۸۶	۱. اخلاق و خصوصیات و ویژگی های
خطبه ۱۴۵..... ۸۶	رهبری ۹۹
اخلاق بدعت ۸۶	۲. اخلاق و خصوصیات مردم و پیروان
خطبه ۱۴۷..... ۸۷	اسلام و رهبری جامعه ۹۹
اخلاق شناسایی واقعیت های اجتماعی و	اخلاق و ویژگی رهبری ۹۹
گوش دادن به حرف حق ۸۷	شناخت دنیا ۱۰۰

خطبه ۱۷۴ ۱۰۱	تعصّب‌های نابجا ۱۱۶
اخلاق گروه باطل ۱۰۱	عبرت آموزی از امت‌ها ۱۱۸
خطبه ۱۷۶ ۱۰۱	برکات بعثت ۱۱۹
اخلاق روندگان راه حق و راه قرآن ۱۰۱	سرزنش گنهکاران ۱۱۹
اخلاق عمل به احکام الهی ۱۰۱	فضائل امام و اخلاق آن بزرگوار ۱۲۰
فضیلت قرآن ۱۰۲	ارزشهای اخلاقی و ضد اخلاقی ۱۲۳
حرام و حلال خدا تا قیامت حلال و حرام است ۱۰۴	خطبه ۱۹۳ ۱۲۵
ظلم سه قسم است ۱۰۵	اخلاق و چهره مومن ۱۲۵
خطبه ۱۷۷ ۱۰۶	در وصف و اخلاق پرهیزگاران ۱۲۵
اخلاق حکمین در مقامات ۱۰۶	خطبه ۱۹۴ ۱۲۸
خطبه ۱۷۹ ۱۰۷	ویژگی نفاق و منافق و شناخت از روشهای مخرب آنان ۱۲۸
اخلاق افرادی که به پروردگار ایمان دارند ۱۰۷	چهره و اخلاق منافقان ۱۲۸
خطبه ۱۸۰ ۱۰۸	اخلاق نفاق ۱۳۰
اخلاق سست عنصرها ۱۰۸	خطبه ۱۹۶ ۱۳۰
خطبه ۱۸۷ ۱۰۹	اخلاق آدم غافل ۱۳۰
اخلاق و حاکمیت خردسالان و بی تجربه‌ها و جاه طلب‌ها و خرابی کشور ۱۰۹	هشدار از عفت زدگی ۱۳۰
توضیح بد اخلاقی ۱۱۰	خطبه ۱۹۹ ۱۳۱
خطبه ۱۹۲ ۱۱۰	اخلاق انسان با ایمان و مخلص ۱۳۱
شکونده اخلاق متکبران ۱۱۱	اهمیت نماز و روزه ۱۳۱
آزمون خدایی ۱۱۲	خطبه ۲۰۵ ۱۳۳
هشدار از تکبر و خودخواهی ۱۱۲	اخلاق عدالت مالی ۱۳۳
اخلاق فروتنی پیامبران ۱۱۴	بیت المال مال همه است ۱۳۴
پرهیز از ستمکاری ۱۱۵	خطبه ۲۰۶ ۱۳۵
	اخلاق برخورد با دشمن؛ فحش و ناسزا و تهمت زدن ممنوع!! ۱۳۵

- ۱۳۵ منع توهین و تهمت و دشنام
 ۱۳۵ اخلاق مؤمن
 ۱۳۶ خطبه ۲۰۹
 ۱۳۶ اخلاق رهبر و مسئولین
 ۱۳۶ و اخلاق استفاده از امکانات زندگی
 ۱۳۶ و اخلاق زیاده روی و انزواطلبی
 ۱۳۶ اخلاق استفاده از دنیا
 ۱۳۷ خطبه ۲۱۶
 حق مردم و رهبری و مسئولین دوطرفه
 است و روابط بر اساس حقوق طرفین است
 ۱۳۷
 ۱۳۷ چاپلوسی در حکومت عدل ممنوع
 ۱۳۷ اخلاق و حقوق اجتماعی زمامدار مردم
 ۱۳۷ حقوق حاکم و مردم
 ۱۳۹ تملّک کوبی ممنوع
 روابط رهبر و مردم نباید چاپلوسانه یا
 خاضعانه باشد ۱۴۰
 ۱۴۱ اخلاق اجتماعی مردم و مسئولین
 ۱۴۱ خطبه ۲۲۴
 ۱۴۱ اخلاق مسئولین در صرف بیت المال
 ۱۴۱ اخلاق پرهیز از ستم
 ۱۴۲ بخشش بیت المال ممنوع
 ۱۴۳ اخلاق حفاظت از اموال ملت
 ۱۴۵ خطبه ۲۳۲
 ۱۴۵ اخلاق سوء استفاده مالی و تملّک بیت المال
 ۱۴۵
 ۱۴۵ احتیاط در مصرف بیت المال
 ۱۴۶ اخلاق حفظ بیت المال
 ۱۴۷ **نامه‌ها**
 ۱۴۹ نامه ۳
 اخلاق تجمل گرایی مسئولین و سوء
 استفاده از بیت المال ۱۴۹
 پرهیز از تجمل گرایی مسئولین ۱۴۹
 ۱۵۱ نامه ۱۴
 اخلاق نیروهای مسلّح هنگام اسیر گرفتن
 ۱۵۱
 و عدم اذیاء اسیران بخصوص زنان و حفظ
 حرمت آنها و مقررات مربوطه ۱۵۱
 اصول انسانی در جنگ ۱۵۱
 ۱۵۲ اخلاق حرمت بانوان در اسلام
 ۱۵۳ نامه ۱۶
 اخلاق نظامیان در میانه جنگ در رعایت
 تاکتیکهای نظامی ۱۵۳
 ۱۵۳ تاکتیکهای نظامی
 نیروهای مسلّح باید مظهر اخلاق باشند
 ۱۵۳
 ۱۵۴ نامه ۱۹
 اخلاق بدر رفتاری مسئولین با مردم ۱۵۴
 پرهیز از بدر رفتاری؛ زیرا بدر رفتاری
 ضداخلاق اسلامی است ۱۵۴
 ۱۵۵ اخلاق رفتار با اقوام

نامۀ ۲۱.....	۱۵۵	به کارگیری تجربه‌های دیگران.....	۱۷۰
اخلاق زشت مسئولین در سوء استفاده از		روش تربیت فرزند.....	۱۷۱
بیت المال و درآمد ملی.....	۱۵۵	طلب توفیق.....	۱۷۱
سوء استفاده از درآمد ملی.....	۱۵۵	توجه به معنویات.....	۱۷۲
اسراف از بیت المال ضد اخلاق است.....	۱۵۶	قدر تندرستی.....	۱۷۲
نامۀ ۲۳.....	۱۵۶	یکتایی خدا.....	۱۷۳
اخلاق زمامداران حق.....	۱۵۶	آخرت گرایی.....	۱۷۳
شیوه و اخلاق زمامداران حق.....	۱۵۶	داوری دادگرانه.....	۱۷۴
بزرگان مطهر اخلاق.....	۱۵۷	ره توشه آخرت.....	۱۷۵
نامۀ ۲۵.....	۱۵۸	نشانه‌های رحمت الهی.....	۱۷۶
اخلاق مأمورین مالیاتی و رفتار آنان و		شرایط اجابت دعا.....	۱۷۷
رعایت حقوق حتی حیوانات.....	۱۵۸	یاد مرگ.....	۱۷۷
حمایت از حقوق حیوانات.....	۱۵۹	اندازه در طلب.....	۱۷۸
نامۀ ۲۶.....	۱۶۱	خوبی با خوبان و پرهیز از بدان.....	۱۷۹
اخلاق مأمورین مالیاتی.....	۱۶۱	حقوق دوستان.....	۱۸۱
اخلاق مأمور مالیاتی.....	۱۶۱	ارزش‌های اخلاقی.....	۱۸۲
عدالت اخلاقی در همه چیز.....	۱۶۲	در باره زنان.....	۱۸۳
نامۀ ۲۷.....	۱۶۳	نامۀ ۳۳.....	۱۸۴
اخلاق اجتماعی.....	۱۶۳	کاری ضد اخلاق.....	۱۸۴
نامۀ ۳۱.....	۱۶۵	نامۀ ۳۹.....	۱۸۵
اخلاق پدری نسبت به فرزند خود.....	۱۶۵	توهین به شخصیت ما ضد اخلاق است.....	۱۸۵
انسان در معرض حوادث.....	۱۶۷	نامۀ ۴۱.....	۱۸۶
تلاش برای خودسازی.....	۱۶۸	سوء استفاده از مقام ضد اخلاق است.....	۱۸۶
اخلاق اجتماعی.....	۱۶۸	سوء استفاده از جنگ ضد اخلاق.....	۱۸۶
طلب خیر.....	۱۶۹	برخورد قاطع با خیانتکار.....	۱۸۷
ارزش جوانی.....	۱۷۰		

۲۰۱	ضرورت خودسازی	۱۸۸	نامه ۴۲
۲۰۱	اخلاق رهبری	۱۸۸	اخلاق دلجویی در عزل و نصب‌ها
۲۰۲	مهرورزی به مردم	۱۸۸	روش دلجویی در عزل و نصب‌ها
۲۰۲	توجه به عظمت خدا	۱۸۹	نامه ۴۳
۲۰۳	رعایت انصاف		اخلاق سخت‌گیری در مصرف بیت‌المال
۲۰۳	توجه به رعیت	۱۸۹	
۲۰۴	رازداری	۱۹۰	نامه ۴۵
۲۰۴	مشورت در کارها	۱۹۰	اخلاق ساده‌زیستی
۲۰۵	انتخاب وزیران شایسته	۱۹۰	ساده‌زیستی کارگزاران
۲۰۵	همراهی با پرهیزگاران	۱۹۱	امام الگوی ساده‌زیستی
۲۰۵	نیکی به رعیت	۱۹۳	بخش پایانی این نامه
۲۰۶	تقویت سنت‌های نیکو	۱۹۳	دنیا خوبان را فریب نمی‌دهد
۲۰۶	همنشینی با دانشمندان	۱۹۴	اخلاق ساده‌زیستی
۲۰۶	مردم‌شناسی	۱۹۵	نامه ۴۶
۲۰۷	توجه به نیروهای رزمی و نظامی	۱۹۵	اخلاق و شیوه برخورد با ارباب رجوع
	رسدگی به نیازمندان و انتخاب صحیح	۱۹۶	بخشنامه اخلاقی
۲۰۷	نظامیان	۱۹۶	نامه ۴۷
۲۰۸	ارتباط با نظامیان		اخلاق تسلیم در مقابل خدا و قانون
۲۰۸	تقویت نیروهای دفاعی	۱۹۶	وپندهای جاودانه
۲۰۹	تشویق نیکوکاران	۱۹۶	پندهای جاودانه در چهارچوب اخلاق
۲۰۹	توجه به امر قضاوت	۱۹۸	اندرز جاودانه در چارچوب اخلاق
۲۱۰	زمینه رفاه و آسایش قاضیان	۱۹۹	نامه ۵۱
۲۱۰	انتخاب کارگزاران شایسته		اخلاق مالیاتی؛ برای گرفتن مالیات مردم را
۲۱۱	اهمیت به بازرسی در امور اداری	۱۹۹	بیچاره نکنید
۲۱۱	مالیات دهندگان	۲۰۰	نامه ۵۳
۲۱۱	توجه به آبادانی کشور	۲۰۰	نامه و عهدنامه مالک اشتر

انتخاب دبیران و منشیان ۲۱۲	نامه ۶۱ ۲۲۷
آزمایش کارگزاران ۲۱۳	اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی ۲۲۷
توجه به بازرگانان ۲۱۳	نامه ۶۵ ۲۲۸
رسیدی به محرومان ۲۱۴	اخلاق افسانه سرایی برای مسئولین و
توجه به مردمان بی نام و نشان ۲۱۵	دخالت‌های بی مورد ممنوع ۲۲۸
ملاقات با طبقات مردم ۲۱۵	باطل‌گرایی معاویه ۲۲۸
اخلاق اختصاصی رهبری ۲۱۶	پاسخ به ادعای دروغین معاویه ۲۲۹
اقامه نمازها ۲۱۷	نامه ۶۹ ۲۳۰
آگاهی از جریانات امور کشوری ۲۱۷	اخلاق کارگزاران ۲۳۰
بررسی حالات اطرافیان ۲۱۸	حفظ آبرو ۲۳۱
جلب خوشنودی رعیت ۲۱۸	ویژگی‌های مؤمنان ۲۳۱
دعوت به صلح ۲۱۹	پیام‌های نامه ۲۳۲
لزوم وفای به عهد ۲۱۹	نامه ۷۸ ۲۳۳
پرهیز از خونریزی ۲۲۰	اخلاق نفاق ۲۳۴
طرد متملقان ۲۲۰	نامه ۷۹ ۲۳۵
پرهیز از منت نهادن ۲۲۱	اخلاق خوربزرگ بینی و ناچیز شمردن
پرهیز از شتابزدگی در کارها ۲۲۱	مردم ۲۳۵
رعایت تساوی حقوق ۲۲۱	حکمت‌ها ۲۳۷
لزوم بررسی تاریخ گذشتگان ۲۲۲	۱. اخلاق فتنه‌گر ۲۳۹
پیام و اخلاق حکومتی ۲۲۲	۶. آشتی، گشاده‌رویی و رازداری و اخلاق
نامه ۵۹ ۲۲۴	مردم‌داری ۲۴۰
دستورات فرماندهی و نظامی و اخلاق	۱۰. اخلاق نحوه زندگی با مردم ۲۴۱
اساسی نظامیان ۲۲۴	۱۸. اخلاق بی تفاوتی ۲۴۱
مسئولیت فرماندهی ۲۲۴	۲۷. اخلاق تحمل بیماری ۲۴۱
نامه ۶۰ ۲۲۵	۳۴. اخلاق بی‌نیازی از دیگران ۲۴۲
اخلاق و تکالیف نیروهای مسلح ۲۲۵	

۲۵۴	۱۷۹. اخلاق لجاجت	۳۷. اخلاق و آداب جاهلی و رسوم طاغوتی
۲۵۵	۱۸۰. اخلاق طمعکار	۲۴۲
۲۵۵	۱۸۵. اخلاق علی (علیه السلام)	۲۴۲
۲۵۵	۱۹۹. اخلاق و وصف اراذل و اوباش	۲۴۳
۲۵۶	۲۰۰. اخلاق اوباش	۲۴۳
۲۵۶	۲۱۱. نکته‌های اخلاقی	۲۴۳
۲۵۶	۲۱۴. اخلاق نرمخویی	۲۴۳
۲۵۷	۲۲۳. اخلاق و نتیجه حیا	۲۴۳
۲۵۷	۲۲۶. اخلاق طمع‌کار	۲۴۴
۲۵۷	۲۳۲. اخلاق بخشش	۲۴۴
۲۵۷	۲۳۴. بهترین خصلت‌های زنان	۲۴۴
۲۵۸	۲۵۵. اخلاق تندخویی	۲۴۴
۲۵۸	۲۷۸. اخلاق طمعکار	۲۴۵
۲۵۸	۲۸۱. اخلاق و تکیه بر عقل	۲۴۵
۲۵۹	۲۸۹. اخلاق و وصف مردی بزرگ	۲۴۵
۲۹۳	۲۹۳. اخلاق ترک هم‌نشینی با فرومایگان	۲۴۶
۲۶۰	۲۹۸. اخلاق اندازه در خصومت	۲۴۶
۲۶۰	۳۰۵. اقتضای غیرت	۲۴۶
۲۶۰	۳۲۲. اخلاق اجتماعی: استقبال ممنوع	۲۴۷
۲۶۱	۳۳۳. اخلاق مؤمنان	۲۴۸
۲۶۱	۳۴۹. فضائل و رذائل اخلاقی	۲۴۹
۲۶۲	۳۶۲. اخلاق ترک مجادله	۲۵۱
۲۶۲	۳۶۷. اخلاق دنیا	۲۵۱
۳۶۹	۳۶۹. اخلاق و وصف مردمان آخرالزمان	۲۵۳
۲۶۳		۲۵۴
		۴۰. اخلاق عاقل
		۴۹. اخلاق و آثار گرسنگی و سیری
		۵۷. اخلاق قناعت
		۶۰. اخلاق مهار کردن زبان
		۷۰. اخلاق و نشانه‌های جاهل
		۸۶. اخلاق پیر
		۹۰. اخلاق فقیه کامل
		۱۰۱. اخلاق و شیوه احسان به دیگران
		۱۰۶. اخلاق و سرانجام دین‌گریزی
		۱۰۷. اخلاق عالم بدون عمل
		۱۰۹. تکیه‌گاه سالکان راه
		۱۱۰. اخلاق برپا دارندگان امر خدا
		۱۱۳. ارزش برتر
		۱۱۶. اخلاق امتحان
		۱۱۹. اخلاق و داستان دنیا
		۱۲۳. اخلاق الگوها
		۱۳۱. اخلاق دنیا
		۱۳۴. اخلاق دوست واقعی
		۱۴۷. اخلاق آسیب‌شناسی اجتماعی
		۱۴۸. اخلاق زبان
		۱۴۹. اخلاق خودشناسی
		۱۵۰. اخلاق عالم بی‌عمل
		۱۶۰. اخلاق فرمانروایی و خودکامگی
		۱۶۲. اخلاق رازپوشی

۲۶۶	۴۲۳. ساماندهی امور اخلاقی	۲۶۵	۳۷۱. اخلاق برترین‌ها
۲۶۷	۴۲۵. اخلاق توانگری و احسان	۲۶۵	۳۷۴. اخلاق ناهیان از منکر
۲۶۷	۴۳۲. اخلاق اولیاء خدا	۲۶۶	۳۹۶. اخلاق جوانمردان
		۲۶۶	۳۹۹. اخلاق و حق پدر و فرزند

دیوان امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

۲۸۶	۲۶. در برابر مشکلات ایستادگی کن	۲۷۱	۲. باید از نادان تو سید
۲۸۷	۲۷. سخاوت داشته باش	۲۷۲	۳. اخلاق دوستی فصلی
۲۸۷	۲۸. دارایی سرپوش عیب‌ها	۲۷۴	۵. اخلاق در زندگی
۲۸۸	۳۰. اخلاق خرد و کامیابی	۲۷۴	با کار زندگی را تأمین کنی نه با رزو
۲۸۸	۳۱. عقل بهترین هدیه الهی	۲۷۴	۸. اخلاق دنیا
۲۸۹	۳۶. اخلاق سخن گفتن	۲۷۵	۹. اخلاق عاشق دنیا
۲۸۹	۳۷. برخورد با نادان	۲۷۶	۱۱. اخلاق صبر و پایداری در برابر حوادث دنیا
۲۹۰	۳۸. پرده‌داری نکن	۲۷۶	۱۴. اخلاق نجوا با خداوند
۲۹۰	۴۲. ترس از گناه	۲۷۶	۱۸. اندرز علی (علیه السلام) به فرزندش (امام حسین (علیه السلام))
۲۹۱	۴۴. چرا بی‌تابی	۲۷۸	۱۹. باز فرزندش حسین را رهنمون می‌شوند
۲۹۱	۴۷. اخلاق حرم	۲۸۱	۲۰. به فرزندش حسن (علیه السلام)
۲۹۲	۴۸. اخلاق پیروی	۲۸۳	۲۱. اخلاق و اندرزهای او به فرزندش حسن (علیه السلام)
۲۹۲	۴۹. موی سفید آمد و موی سیاه رفت	۲۸۴	گوهر خویش را پیدا کن
۲۹۴	زیباترین تصویر از دنیا و مقام	۲۸۴	۲۴. پس از سختی، گشایش است
۲۹۴	۵۰. اخلاق جدایی	۲۸۵	۲۵. پیش آدم‌های پست اظهار عجز نکن
۲۹۴	۵۱. اخلاق از دست دادن جوانی و یاران	۲۸۶	همسرش
۲۹۵	۵۲. اخلاق و روش مرد با تجربه		
۲۹۵	۵۳. اخلاق عشق و دوستی از دل نرود		
۲۹۵	۵۴. اخلاق و مویه همسری بر سر قبر		
۲۹۶	همسرش		

۵۵. پاسخ مولا از زبان حضرت فاطمه علیها السلام ۳۱۳
۷۲. اخلاق جنگجو ۲۹۶
۷۶. اخلاق ستایش از یاران خود ۲۹۷
۸۰. اخلاق ستایش از یاران خود ۲۹۷
۸۲. در باره شورایی که عثمان را برای خلافت انتخاب کردند ۲۹۷
۸۳. اخلاق دوستی و توجه به ارزش‌ها ۲۹۹
۹۲. اخلاق تواضع ۳۰۵
۹۴. اخلاق قناعت ۳۰۵
۹۹. اخلاق ایستادگی در برابر سختی‌ها ۳۰۵
۱۰۱. اخلاق زنده‌ای که مرده و مرده‌ای که زنده است ۳۰۶
۱۰۶. اخلاق سختی ۳۰۶
۱۰۷. اخلاق ذلت از آزادگان دور است ۳۰۶
۱۰۸. پیش به سوی رزم و شهادت ۳۰۷
- هدف و آرزوی علی در جنگ ۳۰۸
۱۱۰. اخلاق انتخاب دوست صالح ۳۰۸
۱۱۲. اخلاق افشاء اسرار ممنوع ۳۰۹
۱۱۳. اخلاق در استفاده از فرصت‌ها ۳۱۰
۱۱۵. اخلاق در ازدواج ۳۱۰
۱۱۶. اخلاق زندگی کردن ۳۱۰
۱۱۷. بلند همت و بلند نظر باش ۳۱۲
۱۱۸. اخلاق زندگی، در طلب باید به زحمت افتاد ۳۱۲
۱۱۹. ارزش مسافرت ۳۱۳
۱۲۳. انسان کامل کمیاب است ۳۱۴
۱۲۵. اخلاق زندگی ۳۱۴
۱۲۶. اخلاق زندگی، سه شرط برای دوست ۳۱۵
۱۲۷. اخلاق زندگی ۳۱۵
۱۳۰. اخلاق ایثار، تو پر خوری و دیگران ۳۱۵
- گرسنه ۳۱۵
۱۳۱. اخلاق زندگی جاودانه نیست ۳۱۵
۱۳۳. بزرگواران همه رفتند ۳۱۶
۱۳۴. اخلاق لذت‌ها پایان دارد ۳۱۶
۱۳۶. اخلاق افسوس ۳۱۷
۱۳۹. در مرگ پدر ۳۱۷
۱۴۰. اخلاق بیمارداری ۳۱۸
- سخنی با فاطمه علیها السلام در بیماری ۳۱۸
۱۴۱. اخلاق سفارش آن حضرت ۳۱۹
- در باره اسراء به فاطمه همسرش ۳۱۹
۱۴۲. جواب فاطمه به همسرش علی ۳۱۹
۱۴۴. من بر آئین و دین محمد هستم ۳۲۰
۱۴۷. اخلاق در باره شهادت جنگ احد ۳۲۰
۱۵۱. اخلاق افتخار به فامیلی رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۲۱
- فطرت خداجویی و پدیده بت پرستی ۳۲۲
۱۵۲. به ابن ملجم مرادی می‌فرمایند ۳۲۳
۱۵۵. در میدان جنگ جمل به فرزندش محمد حنفیه فرمود ۳۲۴

۱۵۶. در کار پسر ملجم مرادی ۳۲۴
- فرهنگ دین این است ۳۲۵
۱۵۸. اخلاق درد از خودت و درمان نیز... ۳۲۵
- همه جهان در انسان نهفته شده ۳۲۶
۱۵۹. حل مشکلات با اندیشه و فکر ۳۲۶
- علی مرد نامتناهی ۳۲۷
۱۶۲. انسان کیست، حیوان چیست ۳۲۸
- به راستی انسان کیست و حیوان چیست؟! ۳۲۸
۱۶۳. آموزش در خردمندی ۳۲۹
۱۶۴. چگونه به اهدافمان برسیم ۳۳۰
۱۶۵. چگونه باید به هدف رسید ۳۳۰
۱۶۶. منتظر گشایش کارها باش ۳۳۱
۱۶۷. فرهنگ مقاومت، در انتظار گشایش ۳۳۱
۱۶۸. نوش بی نیش نیابی هرگز ۳۳۲
۱۶۹. امیدواری ۳۳۲
۱۷۲. دل باید بی نیاز باشد ۳۳۳
۱۷۶. روزی هر کس اندازه‌ای دارد ۳۳۳
۱۷۷. چرخ گردون ۳۳۴
۱۷۹. و نیز این گونه ۳۳۴
۱۸۰. همه روزی خوار تواند ای خدا ۳۳۶
۱۸۱. آرزوهای طولانی ۳۳۶
۱۸۳. عیب از دنیا بگیر ۳۳۶
۱۸۶. ثروتمند ۳۳۷
۱۹۰. ننگ در چیست؟ ۳۳۸
۱۹۱. خوبان و نیکان رفتند ۳۳۹
- چگونه با نردبان تملق بالامی‌روند ... ۳۳۹
۱۹۲. به چه کسی شکایت کنیم ۳۴۰
۱۹۳. ثابت قدم قابل ستایش است ۳۴۰
۱۹۶. زیبایی اخلاق ۳۴۰
۱۹۸. آدم بی خیر ۳۴۱
۲۰۰. قناعت ۳۴۱
۲۰۱. هم چون بردگان کوشا باش ۳۴۱
۲۰۵. درد فراق ۳۴۱
۲۰۶. تسلیت ۳۴۲
۲۰۷. هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و خفتن ۳۴۲
- امام علی (ع) در بستر او ۳۴۲
۲۱۲. مختار امام در جواب مرحب ۳۴۴
۲۱۸. اقدام به سوزاندن کسی که او را خدا خواند ۳۴۵
۲۲۱. چشم پوشی یک فرهنگ است ۳۴۶
- برای رهبری جهان اسلام، چشم‌پوشی یک فرهنگ است ۳۴۷
۲۲۳. ناراحت از جنگ ۳۴۷
۲۲۸. در میدان افتخار ۳۴۸
۲۳۳. مردمی نمک نشناس ۳۴۹
۲۳۵. وام گرفتن ۳۵۰
۲۳۸. در ستایش علم ۳۵۱
۲۴۰. اندرزهای گوناگون ۳۵۱
۲۴۸. اندرزهای امام ۳۵۲

۲۵۱. انفاق ۳۵۳
۲۵۶. اخلاق نه چپ و نه راست، فقط صراط ۳۵۳
- مستقیم ۳۵۳
۲۵۹. اخلاق صبر و مهرورزی به اندازه ۳۵۳
۲۶۱. برادرت چه کسی است ۳۵۴
۲۶۲. ویژگی‌ها و خصلت‌ها ۳۵۴
۲۶۳. رفاق از آن رفته ۳۵۴
۲۶۴. درد و درمان کن سازش نتیجه ندارد ۳۵۵
۲۶۶. حرص و آزارها کن ۳۵۶
۲۶۷. اخلاق این نیز بگذرد ۳۵۷
۲۷۰. مهر خداوندی ۳۵۷
۲۷۲. مناجات مولا ۳۵۸
۲۷۳. اخلاق و اندرزهای امام علیه السلام ۳۶۰
۲۷۴. سخن ابوطالب با حضرت علی علیه السلام و ۳۶۰
- لیلة المبيت ۳۶۲
۲۷۵. در لیلة المبيت امام علی علیه السلام به پدرش ۳۶۳
- می‌گوید ۳۶۳
۲۸۱. دنیا آب در مشت فشردن است ۳۶۴
۲۸۲. قناعت ۳۶۴
۲۸۳. درباره عقل و خرد ۳۶۵
۲۸۷. نیکی و عدالت ۳۶۵
۲۸۹. آنچه که گذشت گذشت ۳۶۶
۲۹۰. روزی به عقل نیست ۳۶۶
۲۹۲. شناخت و عرفان خدا ۳۶۷
۲۹۶. توکل ۳۶۷
۲۹۷. عقل و ثروت ۳۶۸
۲۹۹. من همراه علمم ۳۶۸
- علم و ثروت ۳۶۹
۳۰۰. هیچ کس پاینده نیست ۳۶۹
۳۰۴. یا برای دوستی یا ترس ۳۷۰
۳۱۰. عرفان به خدا ۳۷۰
۳۱۱. همت بلند دار ۳۷۱
۳۱۷. آمادگی برای مرگ ۳۷۱
۳۱۸. امام دنیا را به صورت زن زیبایی دید ۳۷۲
۳۲۴. ای دنیا! هر چه هست برای تو ۳۷۳
۳۲۵. روزهای عمر ۳۷۳
۳۲۶. دنیا چون کاروانسرا است ۳۷۳
۳۲۷. معانی بلند و مصادیق روشن ۳۷۴
۳۲۸. در فراق فاطمه علیها السلام ۳۷۵
۳۲۹. در جوانی و پیری ۳۷۶
۳۰. عاقل و جاهل ۳۷۷
۳۳۱. به چار نوصیه می‌فرمایند ۳۷۷
۳۳۲. کجایند تخت‌ها و راج‌های شاهان ۳۷۸
۳۳۴. آبرو ۳۸۱
۳۳۵. سؤال آدم را خوار می‌کند ۳۸۱
۳۳۶. به دوش سنگ کشیدن بهتر است ۳۸۲
۳۳۷. منت نپذیرم ۳۸۲
۳۳۸. مهمان خوش آمد ۳۸۳
۳۳۹. قناعت ۳۸۴
۳۴۰. خصلت‌های پسندیده ۳۸۴

۳۴۱. خصلت‌های زشت ۳۸۵
۳۴۲. تلاش در راه دانش ۳۸۵
۳۴۴. تو کیستی؟! ۳۸۵
۳۴۵. اندرزهای باارزش ۳۸۶
۳۴۶. هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور ۳۸۶
۳۴۷. درست فکر کن درست عمل کن ۳۸۷
۳۴۸. سلام و محبت کن ۳۸۸
۳۴۹. این نیز بگذرد ۳۸۸
۳۵۰. فریب نده ۳۸۸
۳۵۱. بیم و امید ۳۹۰
۳۵۹. سه چیز را پنهان کن ۳۹۰
۳۶۰. در مرگ حضرات ابوطالب و بانو خدیجه ۳۹۰
- شیوه مبارزه ناجوانمردانه ۳۹۱
۳۶۱. بنده فرمانبردار ۳۹۲
۳۶۲. تو را با جانم نگهدارم ۳۹۲
۳۶۴. جنگ احد ۳۹۴
۳۷۲. در باره شایعات (اراجیف) ۳۹۵
۳۷۵. پیامی برای معاویه ۳۹۶
- اخلاق فرصت طلب‌ها ۳۹۷
۳۸۱. در بازگشت از صفین و نتایج آن جنگ فرمودند ۳۹۸
۳۹۱. دانای درویش و نادان ثروتمند ۳۹۹
۳۹۲. سرنوشت و برنامه هستی ۳۹۹
۳۹۴. سرشت و خلقت روزگار ۴۰۰
۳۹۵. شادی و رنج همراه و همزادند ۴۰۰
۳۹۶. در کار گیتی دقت کن ۴۰۰
۳۹۷. باز دوباره دنیا و گیتی ۴۰۰
۳۹۸. نصیحت به فرزندش حسین (علیه السلام) ۴۰۱
۳۹۹. نیکی در چشم آزاده دین است ۴۰۲
۴۰۰. جوانمرد کیست؟ ۴۰۲
۴۰۱. سپردن راز ممنوع مگر ۴۰۲
۴۰۲. ستم نکن ۴۰۳
۴۰۳. شوخی نکن ۴۰۳
۴۰۴. برادر تو چه کسی است؟ ۴۰۴
۴۰۶. شکایت زنی از شوهرش نزد علی ۴۰۴
۴۰۷. پاسخ همسرش ۴۰۵
۴۰۸. داوری مولا (علیه السلام) ۴۰۵
۴۰۵. در عزای پدر ۴۰۵
۴۱۱. اطعام یتیم، دستور به حضرت فاطمه (علیه السلام) ۴۰۶
۴۱۲. جواب حضرت زهرا به شوی خود ۴۰۶
۴۱۴. به جایگاه خود در اسلام می‌بالد ۴۰۷
۴۲۸. به معاویه بگویند علی کیست ۴۰۸
۴۳۳. گیتی به یک حال نماند ۴۰۹
۴۳۹. در بی نیازی نفس ۴۰۹
۴۴۳. اگر می‌خواهی موفق باشی صبر کن ۴۱۱
۴۴۶. فرصت را غنیمت شمار ۴۱۲
۴۴۷. روزگار سخت گیرد و من صبر پیشه کنم ۴۱۲

۴۴۸. روزگار مرا ادب می‌کند ۴۱۳
۴۴۹. طمع نورز و خود را خاضع نکن .. ۴۱۳
۴۵۰. کوشش و تلاش گاهی جواب ندهد ۴۱۴
۴۵۱. هر چه به دستت رسید راضی باش ۴۱۵
۴۵۲. پرهیز از دنیا طلبی ۴۱۶
۴۵۳. دنیا یعنی جمع و تفريق ۴۱۶
۴۵۴. یاران زمان ۴۱۷
۴۵۵. مرد ۴۱۸
۴۵۷. در کنار یار ولی تا نام ۴۱۹
۴۶۱. سعد و نحس ایام ۴۲۰
۴۶۵. خوراک به درویش داد و خت پیامبر، فاطمه زهرا علیها السلام ۴۲۰
۴۶۶. پاسخ فاطمه علیها السلام ۴۲۱
۴۷۰. دفاع از دین ۴۲۱
۴۷۷. جواب امام به راسی ۴۲۱
۴۷۸. مردی از خوارج به میدان آمد و رجز خواند ۴۲۲
۴۸۰. سیری خزان برای گرسنگی شیران ۴۲۲
۴۸۲. چند پند ۴۲۳
۴۸۳. چند کار خوب ۴۲۳
۴۸۴. با گهر ۴۲۴
۴۸۶. برتری‌ها و والائی‌ها ۴۲۵
۴۸۷. نشانه ارباب کمال ۴۲۵
۴۸۹. بی‌نیازی دل ۴۲۶
۴۹۱. قناعت ۴۲۷
۴۹۲. هیچ کس را سرزنش مکن ۴۲۷
۴۹۳. ناگزیر از مرگ ۴۲۸
۴۹۵. کاش مادر ما را نزاده بود ۴۲۹
۴۲۹. آرزوهای غیر منطقی ۴۲۹
۵۰۰. آدمی یعنی حرص و آز ۴۲۹
۵۰۲. می‌بالم به پیامبر خدا ۴۳۰
۵۰۱. در دلاوری اش می‌فرمایند ۴۳۱
۵۰۶. توکل به خدا ۴۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار

اخلاق زیستن در نهج البلاغه

یکی از دغدغه‌های همیشگی جوامع گذشته و معاصر که همواره مورد توجه ویژه قرار گرفته است موضوع «اخلاق» است. هر یک از کسانی که به حوزه‌ی اخلاق توجه کرده‌اند، ابعاد و اضلاعی از مفهوم اخلاق را مد نظر داشته و توجه خود را به بخشی از این امر اختصاص داده‌اند. عالمان اخلاق، فلاسفه، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و سایر اندیشمندان حوزه‌های دیگر، فراخور رویکرد مورد نظرشان، اخلاق را از رویکرد خاصی مطرح کرده‌اند. مطالعه‌ی مقایسه‌ای میان این رویکردها و تفاوت در نگاه‌ها، نشان می‌دهد که موضوع اخلاق، واجد جنبه‌های کثیری است که هر یک از آنان در جای خود مهم و اساسی است. برخی از آنان به مبادی اخلاق و بنیان‌های نظری و مفاهیم اخلاق پرداخته‌اند. برخی دیگر به پیامدها و آثار فردی و اجتماعی عدم رعایت موازین اخلاقی توجه کرده‌اند. هم چنین کسانی اخلاق را در سطح فردی آن و کسانی دیگر، اخلاق را در سطح جمع و اجتماع مد نظر قرار داده‌اند.

اخلاق، پایه‌ای‌ترین رکن پایداری و انسجام هر جامعه محسوب می‌گردد. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون اخلاق زندگی کند و انتظار داشته باشد به توسعه برسد.

ماندگاری، ثبات، صلح و آرامش در مناسبات اجتماعی در گرو حفظ و صیانت از مرزهای اخلاقی توسط آحاد مردم است. بدون شک متزلزل شدن پایه‌های اخلاق و بی‌توجهی به اصول آن، جامعه را با خطر فروپاشی مواجه می‌سازد. پای‌بندی به اصول و مبانی اخلاق، مقدمه‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای امنیت، ثبات و توسعه‌ی یک جامعه به حساب می‌آید. همه‌ی ساکنین یک جامعه، کم و بیش به اهمیت و ضرورت زندگی اخلاقی واقف هستند؛ زیرا به طور ملموس و در تجربه‌ی زندگی روزمره‌ی خویش درمی‌یابند که سستی و ضعف در هر یک از ارکان و اصول اخلاقی، باعث می‌شود زندگی جمعی، سخت و پریشان‌گردد و از این ناحیه با انواع رنج‌ها و مصائب روبرو شود. نتیجه‌ی تلخ ضعف اصول اخلاقی و کاهش پای‌بندی به قواعد زندگی جمعی، به بروز ناهنجاری‌های اخلاقی منتهی می‌گردد و بدین ترتیب کام همه را می‌آزارد. تنگناها و بن‌بست‌های جان‌فرسایی را بر همگی تحمیل می‌کند. گرچه عالمان دینی، توجه عموم مردم را به آثار اخروی و آن جهانی غیر اخلاقی زیستن، جلب می‌کنند، اما پیامدهای زیان‌بار نادیده گرفتن اصول اخلاق، در «اکنون و این‌جا» و در همین جهان، افراد را نسبت به ضعف و سستی اخلاق، آگاه می‌نماید.

همان گونه که در ابتدای کلام آمد، «اخلاق»، دغدغه‌های آدمیان، در طول تاریخ بوده است. این دغدغه و نگرانی، از آثار سوء بی‌اخلاقی‌ها بر زندگی‌شان نشأت می‌گیرد. هرگاه زندگی اجتماعی، مناسبات و روابط میان آدمیان به تاریکی می‌رسد، از خود می‌پرسند که آیا اصول اخلاق، آن گونه که باید در جامعه رعایت می‌شود؟ پرسش از اخلاق، نشان می‌دهد که جایی از زندگی دچار اختلال گشته است. همین که توجه عموم مردم به معیارها و اصول اخلاقی جلب شد، باید بدانیم که از نظر آنان، آسیبی رخ داده است. آسیب و رخدادی که نگاه جامعه را به میزان پای‌بندی به اخلاق، فرا خوانده است. گویی اتفاقی ناگوار افتاده است و به ناچار صورت‌ها و نگاه‌ها به سمت آن اتفاق برمی‌گردد.

در این جا اما اخلاق در معنای عام به کار برده می‌شود. اخلاقی که در گستره‌ی زندگی انسان، طبیعت و کل هستی حی و حاضر است. گرچه اخلاق متوجه انسان است؛ زیرا از اراده و آگاهی برخوردار است و چون واجد این دو صفت است پس می‌توان از اخلاق سخن گفت، اما اگر اخلاق را به روش و شیوه و یا منطق حاکم بر کل هستی در نظر بگیریم آن گاه می‌توانیم به اخلاق در سایر موجودات اشاره کنیم، و منظور از اخلاق در سایر موجودات، به استثنای انسان، همان قواعد منطقی است که بر آن‌ها مسلط است. به عبارت دیگر، وقتی از اخلاق در طبیعت سخن رانده می‌شود، به واقع از همان قاعده‌ها و شیوه‌هایی یاد می‌شود که کل موجودات، اعم از جمادات، نباتات و حیوانات را در بر می‌گیرد و بقا و زندگی‌شان را تضمین کرده و در مسیری مشخص به جلو می‌راند. در این معنای عام از اخلاق، می‌توان اخلاق کل هستی را همان منطق حاکم بر هستی دانست که بقای آن و مناسبات‌شان را با یکدیگر معلوم کرده است.

بنابراین دو گونه اخلاق داریم: اولاً اخلاق انسان که برگرفته از اراده و آگاهی آنان است. این گونه اخلاق را می‌توان «اخلاق تأسیسی» نام نهاد. اما از آن جایی که سایر موجودات از شیوه‌ی زیست متفاوتی برخوردارند و به عبارت دیگر، نحوه‌ی زندگی هر موجودی از قبل معلوم و تعیین یافته است. بنابراین، آنان اخلاق را تأسیس نمی‌کنند و آن را نمی‌آموزند، بلکه در همان طرحی که از پیش برای آنان ترسیم شده قرار می‌گیرند. اخلاق سایر موجودات را می‌توان «اخلاق تکوینی» نام نهاد.

تفاوت اخلاق در میان انسان‌ها و اخلاق در سایر موجودات در این است که انسان‌ها اولاً، اخلاق را تأسیس و ایجاد می‌کنند و این در حالی است که سایر موجودات، خالق اخلاق نیستند بلکه اخلاق در آنها تعبیه شده و به نحو ژنتیکی، حدّ و مرز زندگی و عمل‌شان مشخص و معلوم شده است. ثانیاً، این انسان است که اخلاق را در جامعه و مناسبات اجتماعی می‌آموزد و به نسل‌های بعد منتقل می‌کند، ثالثاً، آدمیان می‌توانند از اخلاقی که خودشان تهیه کرده‌اند، تخطی کنند و نادیده‌اش بینگارند، در حالی که سایر

موجودات، اختیار و اراده‌ی سرپیچی و تمرد از قواعد از پیش تعیین شده را ندارند. به سخن دیگر، انسان‌ها در این که اخلاقی زندگی کنند یا نه، مختارند، و اما سایر موجودات فاقد این اختیار هستند و در همان برنامه و منطقی که در آن قرار دارند زندگی می‌کنند.

بنابر این، با توجه به تفاوت «اخلاق تأسیسی» و «اخلاق تکوینی» درمی‌یابیم که انسان برای شیوه‌ی زیستن فردی و جمعی، خودش باید تصمیم بگیرد که چگونه زندگی کند. به سخن دیگر، انسان خالق زندگی خویش است. بنابراین، تلاش می‌کند برنامه‌ای از اخلاق را برای ریزی کند و چگونه زیستن را خود معلوم و مشخص نماید. برای دست یافتن به روش، شیوه و منطق خوب زیستن، خودش و با اراده‌ای که دارد، باید قاعده‌ی چگونه زندگی کردنش را تأسیس نماید. او باید چیزی را بنیان بگذارد و بر اساس آن زندگی کند. این همان است که اخلاق نام دارد.

اما آیا او به تنهایی می‌تواند قاعده و قانون اخلاق را برای یک زندگی خوب و رستگاران تهیه کند؟ آیا با توجه به دانش، علم و آگاهی محدودی که دارد، به تنهایی می‌تواند مسیر درست زندگی را ترسیم کند؟ آیا همه‌ی لوازم و اسباب اخلاق را در اختیار دارد؟

از همین جاست که پای پیامبران به تاریخ باز می‌شود و به همین جهت است که پیامبران و صالحان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌شوند. آنان به یاری انسان می‌شتابند تا دستش را بگیرند و راهنمایی‌اش کنند.

پیامبران آمده‌اند تا انسان‌ها را در دو جهت یاری رسانند: اولاً، جامعه‌ی بشری را در رسیدن به قواعد خوب زیستن کمک کنند؛ زیرا آدمی فاقد آگاهی کامل و علم مطلق برای یک برنامه‌ی ذو ابعاد و درست است. ثانیاً، آدمیان را در حفظ حریم اخلاق و صیانت از ساحت آن، توصیه کرده و با هشدارهای لازم آنان را از تخطی نسبت به اخلاق تحذیر می‌کنند.

نکته‌ی متأخر بر این استدلال استوار است که در هر جامعه و در هر دوره‌ای از زندگی

انسان، همواره بوده‌اند و هستند کسانی که مرزهای اخلاق را در هم می‌شکنند و سبب نتایج و آثار مخربی می‌شوند. آنان با نادیده انگاشتن قواعد زندگی سالم، هستی را از مدار سلامت خارج می‌کنند. از این رو تذکر دادن آنان به نتایج اخروی و مجازات‌های خداوند، می‌تواند ضامن تداوم و استمرار اخلاق در میان انسان‌ها باشد.

به طور خلاصه، پیامبران، آدمیان را هم در تأسیس و هم در حفظ و حراست از اخلاق یاری می‌رسانند.

آن چنان که آمد، اخلاق، کل هستی و مجموعه‌ی موجودات را در بر می‌گیرد؛ اخلاق پایه و بیانی است که کائنات بر آن استوار است و پایدار می‌ماند. ستونی است که سقف هستی را نگه می‌دارد و باعث بقا و تداوم آن می‌شود.

بقا و سلامت جامعه‌ی انسانی نیز در گرو رعایت موازین اخلاقی و اصولی است که بر رفتار و عمل انسان‌ها حاکم است. هم چنان که پیش‌تر اشاره شد، تمام موجودات به استثنای انسان، فاقد اختیارند؛ چتری از جبر بر همه جاگسترده است و چگونه بودن و چگونه زیستن موجودات را معلوم کرده‌اند. برای آنان تخطی از آن چه برایشان مقرر کرده، ممکن نیست. آن چنان‌اند که باید باشند و توانایی تمرد و سرکشی از قوانین و قواعد مشخص شده را ندارند. این انسان است که کم و بیش را جِد اختیار است و خودش باید چگونه بودن و چگونه زیستن را طراحی کند. به سخن دیگر، یک درخت، همواره درخت است. یک درخت در درخت بودنش دخالتی ندارد و یک درخت هیچگاه از آن چه که هست نمی‌تواند عدول کند و به گونه‌ای دیگر باشد. همه‌ی موجودات دیگر هم مانند درخت، فقط همان هستند که باید باشند. امکان و ظرفیتی برای چیز دیگر شدن ندارند. اما این انسان است که با اختیاری که به او داده‌اند؛ اولاً باید خود را بسازد؛ یعنی یک انسان به منزله‌ی یک موجود، زیستی و طبیعی به دنیا می‌آید و اوست که به تدریج و با تلاش خود آن می‌شود که هست. ثانیاً، اوست که چگونه بودن و چگونه زیستن را انتخاب می‌کند. او انتخاب می‌کند که وجود او چگونه باشد. به سخن دیگر، راه تحول و

تکامل صرفاً به سوی انسان باز است و نه هیچ موجود دیگری.

یک درخت، از درخت بودنش نه چیزی کم دارد و نه می تواند چیزی بر آن بیفزاید، اما این انسان است که با همت خویش مسیر تحول و تکامل را می پیماید و معلوم می کند تا کدام ایستگاه قصد دارد خود را بالا بکشد.

بر اساس آنچه آمد، انسان (بر خلاف سایر موجودات) در دایره ی ظرفیت ها و امکان ها قرار می گیرد. از این رو، انسان ها با یکدیگر متفاوت می شوند؛ زیرا در استفاده از امکانات بیش رو، و یا بهره مندی از ظرفیت هاست که هر انسانی را با دیگری متفاوت می نماید. یک درخت با درخت دیگر (در درخت بودن)، هیچ تفاوت نمی کند. آنها در یک رتبه قرار می گیرند، اما این انسان ها هستند که در مواجهه ی با امکان ها و استعدادها و سعی و جهدی که می کنند، از یکدیگر فاصله می گیرند و در وجود داشتن شان متفاوت می شوند. وقتی انسان ها را طبقه بندی و جدی می کنیم و قائل هستیم که مثلاً نبی اکرم ﷺ، از همه ی انسان ها برتر است، در واقع نگاه ما به مکانت و جودی او و ارتفاعی است که در هرم هستی گرفته است. بر اساس آن چه گفته شد، موجودات (به جز انسان)، در جبر اخلاقی قرار دارند و قوانین به نحو جبری بر آنها حاکمیت دارد. بنابراین، همه ی موجودات مجبور، بر مبنای طرح و برنامه ی از پیش تعیین شده بقا دارند. در مقابل، انسان در وضعیت اختیار اخلاقی زندگی می کند. انسان، هم باید اخلاق را خودش تعیین کند و هم می تواند از همان دایره ی اخلاقی که خودش تأسیس کرده است بیرون بیاید.

در اختیار و انتخاب، فقط به روی انسان باز است، و بدین جهت است که در برابر چگونگی بودن و چگونگی رفتار کردن خود، مسئول است. یک گربه، شیر و یا گرگ، در برابر رفتار خود هیچ مسئولیتی ندارد؛ زیرا گربه بودن، شیر بودن و گرگ بودن را خودشان انتخاب نکرده اند. سرشت تخطی ناپذیر گرگ بر دریدن و زخمی کردن است. گرگ کاری را می کند که برای او تعیین شده است. یک گرگ نمی تواند گرگ نباشد، اما یک انسان می تواند انسان نباشد و خود را هم رتبه و هم ردیف گرگ قرار دهد. و چه بسیار

انسان‌هایی که خوی گرگ را در خود پرورش دادند و با گذر از اخلاق، سبب کشتارها و رنج‌های دیگران شدند. جنگ‌ها و خونریزی‌هایی که در طول تاریخ انجام شده است نشان می‌دهد که انسان هم می‌تواند خودش را هم‌نشین گرگ‌ها و کفتارها نماید. با این تفاوت که گرگ و کفتار در مقابل گرگ و کفتار بودنشان مسئولیتی ندارند و اما انسان باید پاسخگوی گرگ شدن خود باشد. متقابلاً وجود انسان‌های متعالی نیز نشان می‌دهد که آدمی می‌تواند خود را تا اعلی مرتبه‌ی فضیلت برکشد.

با شرح مختصری که در باب تفاوت میان انسان و سایر موجودات ارائه شد، به این نکته می‌رسیم که این انسان است که می‌تواند از مرزهای تعیین شده‌ی اخلاق عدول کند و از اصول اخلاق سرپیچی نماید. اما از آن جا که تمرّد از قوانین و نادیده گرفتن اصول اخلاق سبب تخریب و فساد می‌شود. رفتارهای غیر اخلاقی نه تنها به انسان بلکه به کل دستگاه هستی زیان می‌رساند. رفتارهای غیر اخلاقی انسان، نه تنها به جامعه‌ی انسان‌ها که حیات سایر موجودات را با خطر روبرو می‌سازد. دامنه‌ی اثر بخشی عملکرد انسان، از دایره‌ی خود او فراتر می‌رود و سایرین را نیز در بر می‌گیرد. سایر موجودات فاقد اختیارند، پس همه‌ی زندگی‌شان بر مبنای طرح از پیش تعیین شده پیش می‌رود. آنان هیچ گونه مداخلیتی در تغییر و تحوّل و یا تخریب طبیعت ندارند. انسان است که نظم و قواعد را بر هم می‌زند و با دستکاری جهان، می‌خواهد آن را به نفع خود مصادره نماید. اما این دستکاری همواره رویه‌ی اصلاح و یا تحوّل نداشته است، بلکه آگاهانه و یا ناآگاهانه دست به فساد و تخریب طبیعت برده و نظم حاکم بر آن را برهم زده است. نتیجه‌ی چنین عملکردی انواع آسیب‌ها و فسادها و آلودگی‌هایی است که مجموعه‌ی محیط زیست را به نابودی می‌کشاند و همه‌ی موجودات و از جمله انسان را با گونه‌های مختلف مشکلات و معضلات مواجه می‌کند.

طبیعت بر اساس نظم، اخلاق و انضباط پولادین به پیش می‌رود. موجودات (به جز انسان)، تابع اخلاق، طبیعت‌اند و نافرمانی برای‌شان نیز ناممکن است. در این میان فقط

انسان است که با دخالت خود، مسیر تعیین شده را بر هم زده است و علیه اخلاق طبیعت شوریده است. تبعات ناشی از این نافرمانی و سرکشی و نادیده گرفتن اخلاق حاکم بر طبیعت است که تنگناها و مصائبی برای خود و سایر موجودات ایجاد کرده است. آن جایی که زیست اخلاقی سازگار با روند کلی هستی داشته، به آرامش و آثار مثبت آن رسیده است و اما آن جایی که از مرزهای اخلاقی تأسیسی پافراتر نهاده و اخلاق تکوینی را نیز نادیده گرفته است، خود را به وادی درد و رنج افکنده است.

وضعیت مطلوب وقتی است که اخلاق تأسیسی انسان در سازگاری با اخلاق تکوینی طبیعت قرار گیرد و زندگی آدمی نیز در دایره و مرزهایی پیش برود که منطبق و هماهنگ با کل دستگاه هستی باشد. در غیر این صورت همواره باید منتظر تاریک تر شدن جهان، روبرو شدن با بن‌بست‌های چاره‌ناپذیر و افزایش درد و رنج باشد. همان‌گونه که اکنون در آن قرار گرفته‌ایم.

بر اساس این گفتار، نویسنده که بخش اعظم عمر خود را در حوزه رهنمودهای مولای متقیان در بخش اعتقادی و سیاسی و غیره گذرانده و به ترجمه نهج البلاغه و ترجمه دیوان مولا علی علیه السلام و نوشتن ندای عدالت مفتخر گردیده که مجموعه‌ای از درد دل‌های علی علیه السلام از حرکات ضد اخلاقی دست‌اندرکاران و کارگردان‌های حکومت‌هایی است که خود را وابسته به اسلام می‌دانند.

و در باره‌ی کتاب پیش رو، بر خود لازم دانستم که چهره‌ی واقعی و فلسفه‌ی حرکات‌های اخلاقی و یا ضد اخلاقی تأسیسی و نیز واقعیت‌های اخلاق تکوینی را به صورت بسته و بدون شرح در اختیار تشنگان راه انبیاء و رسول معظم اسلام و آن بزرگ مرد قرار دهم. به همین دلیل تنها به ارائه ترجمه و متن بیانات مولا علی علیه السلام که مرتبط با مسئله اخلاق است بسنده کرده‌ام.

مقدمه

هدف خلقت و آفرینش جهان رسیدن به کمال مطلق است

زندگی و هستی جهان در مسیر خود به سوی کمال مطلق می‌رود، «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».^۱ جهان هستی با همه آنچه در او هست جبراً در تلاش است تا کامل شده و آنگاه خود را مطرح کند، از آن جمله انسان است که در سیر تکاملی خود، رنج‌ها و تلاشهای فراوانی دارد تا زمانی که به هدف برسد:

از جمادی مردم نامی شدم	وز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شد	پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
وهله دیگر بمیرم از بشر	تا بر آرم چون ملائک بال و پر
وز ملک هم بایدم پَران شوم	آنچه اندر وهم ناید آن شوم

چون هدف خلقت تکامل است، و رسیدن به تکامل جز با تلاش مثبت و

کوشش و جدّیت میسر نیست آن هم تلاش و جدّیت و هم خوانی و هم گرایشی از قانون هستی در راستای قانون هستی که اخلاق و ناموس هستی است.

لذا اجرام و کرات آسمانی و همه جهان هستی برای ادامه زندگی نیاز به قانونی دارد که از تصادم و برخورد و نابودی آنها را حفظ کند و در کتاب مقدس نهج البلاغه و گفتار دُرر بار مولا به صورت مبسوط این موضوع وجود دارد که با اراده خالق هستی این جهان به وجود آمده، لذا در قرآن می فرماید:

﴿إِذَا أَرَادَ شَيْءًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۱.

با قانون هستی جهان به زندگی خود ادامه می دهد.

مولا علی علیه السلام در نهج البلاغه وقتی سخن از قدرت و خلاقیت خداوند می کند، می فرماید:

وقتی خداوند منظومه ها و کرات فضا را آفرید، آنها را به نظمی دعوت فرمود و آنها با همه تکثری که دارند اجابت امر خدا را کردند.

«دَعَاهُنَّ فَأَجَبْنَ طَائِعَاتٍ مُدْعِنَاتٍ»^۲.

یعنی همه چیز تحت اراده و فرمان او به زندگی خود ادامه می دهند.

آن لایزال و خالق هستی، برای ادامه زندگی جهان و بهره‌وری آنها از هم با نظم محیرالعقولی، نشان داده که همه موجودات آیت الله و نشانه روشن خدا هستند.

برای ادامه جهان هستی، با قانون تکوینی بایدها و نبایدها، قانون منجّارها و ناهنجارها، آن هم فقط با اراده خودش همه چیز را زندگی بخشید.

۱. سوره یس، آیه ۸۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

مولانا رحمته الله در نهج البلاغه در مورد زندگی حیوانات می فرماید:

«إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمُّهَا بَطُونُهَا؛ وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا أَلْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا؛ حَيَوَانَاتِ اخْلَاقٍ وَهَدَفِشَانِ بِرْ كَرْدَنِ شَكْمِ خَوِيشِ اسْتِ وَ دَرِنْدِگَانِ هَدَفِ وَ فَطَرَتَشَانِ كَشْتَنِ حَيَوَانَاتِ وَ بِرْ كَرْدَنِ شَكْمِ خَوِيشِ اسْتِ»^۱

در عالم هستی خاک و زمین همه چیز را جزء خود می کند، نمکزار همه چیز را به نمک تبدیل می کند، یعنی همه موجودات جهان، در بستر هنجارها و ناهنجارها، به زندگی خویش ادامه می دهند.

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾^۲، ﴿سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۳ و صدها آیه در قرآن با همین مضامین وجود دارد که همه حاکی و مشعر بر حرکت در بستر اخلاق هستی هستند.

سوره اعلی بسیار شفاف بیان می کند و می فرماید: ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى * الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى * وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى * فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى * سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَى * إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى * وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى * فَذَكَرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى * سَيَذَكِّرُ مَنْ يَحْشَى * وَتَتَّبِعُهَا الْأَشْقَى * الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى * ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى * بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى * إِنَّ هَذَا لَكُنِّي السُّحُفِ الْأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى﴾.

این سوره چقدر گویا است که هستی جهان، تحت اراده خداوند و اخلاق تکوینی اداره می شود.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲.

۲. سوره جمعه، آیه ۳.

۳. سوره حشر، آیه ۱.

جهان هستی و زمین با همه موجوداتش، کرات آسمانی با همه وسعت و پهناوری که دارند و تعداد نامحدودشان که جز خالق هستی از آن آگاه نیست، و فرشتگان یا مأموران نظم دهنده جهان با همه چگونگی و تکرار تعدادشان که رقمی برای آنها متصور نیست که در قرآن می‌فرماید: ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۱، ﴿وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾^۲ با امر تکوینی هستی‌بخش به زندگی خویش سالها و قرن‌ها در نزدیک و دور که جز او نمی‌داند با اخلاق هستی به زندگی خویش ادامه می‌دهند.

(اگر خداوند توفیق دهد در مورد اخلاق هستی و زندگی و حیات جهان هستی از دیدگاه مولانا نیز کتابی نوشته می‌شود).

اما انسان

انسان موجودی است که نیمی از آن ملکوتی و موجودی خداگونه است و نیمی از آن جزئی از جهان هستی که با قانون هستی زندگی می‌کند. جسم انسان در اراده انسان نیست، زیرا قلب کار می‌کند، دستگاه تنفس کار می‌کند، دستگاه گوارش کار می‌کند، تمامی اعضا و جوارح انسان خود به خود کار می‌کند و اراده انسان در کارکرد آنها هیچ نقشی ندارد. این اعضا همه با اخلاق هستی و قانون هستی کار می‌کنند و تا زمانی که هستی نفس بخواهد، به کار خود ادامه می‌دهند. اما انسان از نظر عملکرد و رفتار اجتماعی، با اختیار خود کار می‌کند.

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

۲. سوره انبیاء، آیه ۲۷.

قرآن مجید می‌فرماید:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۱.

انبیاء عظام و پیامبران بزرگ و پیامبر اسلام و مصلحان بشریت کوشش کردند و کوشش می‌کنند که این موجود صاحب اختیار را قانع کنند تا یک زندگی آبرومند و بدون مشکل برای خود درست کند که زندگی در آن آسایش بخش باشد و از همه مزایای این بهشت دنیا، و البته بدون استفاده از درخت ممنوعه بهره ببرند.

اما متأسفانه کثیری از انسانها با سرکشی‌های خود، اخلاق به‌زیستن را بر ذلت ترجیح نمی‌دهند.

انسان از دیدگاه مولانا علی علیه السلام دارای تشخیص در همه زمینه‌های اجتماعی، خانوادگی، علمی، سیاسی، فرهنگی و غیره است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قَالَهُمْهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾^۲.

انسان قادر است که بهتر زیستن را بخواهد و برای نفس و خودخواهی‌ها را مهار کرده و کنار بگذارد، لذا اخلاق استفاده صحیح از همه دانستنی‌ها را در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی خود دارد و می‌تواند با ابزار اخلاق به زیستن، یک زندگی توأم با سعادت داشته باشد.

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^۳.

نویسنده این کلام کوشش می‌کند به انسان بفهماند که اگر خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و لذات کاذب و زودگذر را کنار بگذارد، قادر خواهد بود در زمین

۱. سورة انسان، آیه ۳.

۲. سورة شمس، آیه ۸.

۳. سورة شمس، آیه ۹ و ۱۰.

مدینه فاضله‌ای را خلق کند.

ولی متأسفانه، خودخواهی‌ها و جاه‌طلبی‌ها، برای انسان نهایت لذت را باعث شده تا جایی که محتوای همه چیز را در خانواده و عشیره و کشور و انسانیت و دین و... تغییر داده و به نفع خویش تفسیر نموده و از همه چیز سوء استفاده کرده و تاریخ دیروز و امروز ما نشان دهنده این واقعیت تلخ است.

خواننده عزیز، نویسنده سعی می‌کند، علی‌الشیء را آنگونه که هست معرفی و او را چراغی فراروی همه اقشار انسانها در جهان نشان دهد.

امید است در این راه اول خود را در صراط مستقیم قرار داده و از ضالین گمراه، آنهایی که شاهراه هدایت را رها کرده و به کوره راه ضلالت و گمراهی قدم نهاده‌اند فاصله بگیریم.

نحوه استفاده از این کتاب

نگارنده در این کتاب سعی کرده از بازی با الفاظ دوری نموده و تنها با ذکر عناوینی مرتبط با متن خطبه‌ها و نامه‌ها و... خواننده را یاری نماید.

و از سویی استفاده از دیوان مولا نیز با همین روش انجام گرفته که شماره سریال اشعار مولا علی‌الشیء ذکر گردیده است.

خداوند توفیق عمل به حق و حقیقت به همه ما عنایت فرماید.

آمین یا رب العالمین

سحرگاه شب ۱۹ ماه مبارک رمضان ۱۴۹۷